



بررسی اثرات بازی‌های المپیک بر مسکن گروه‌های کم درآمد در شهرهای میزبان (مطالعه موردی سئول، پکن، آتلانتا، سیدنی و ریودوژانیرو)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۲/۳ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۳/۲۹

نعیمه رضائی

استادیار دانشکده شهرسازی دانشگاه تهران naimh.rezaei@ut.ac.ir

چکیده

بازی‌های المپیک کاتالیزوری برای توسعه هستند و منافعی را برای شهرهای میزبان به همراه دارند. ولی این رویدادها اثرات منفی نیز دارند که از مهمترین آنها می‌توان به اثرات آن در حوزه مسکن اشاره کرد. هدف پژوهش حاضر ارزیابی اثرات برگزاری بازی‌های المپیک بر حوزه مسکن در شهرهای میزبان است. پژوهش حاضر از حیث ماهیت و روش «توصیفی-تحلیلی» بوده و داده‌ها از طریق مطالعه اسنادی شامل مقالات، پایان‌نامه‌ها، گزارش‌های تخصصی و مطبوعات محلی و بین‌المللی گردآوری شده‌اند. شهرهای سئول، پکن، آتلانتا، سیدنی و ریودوژانیرو به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اثرات میزبانی بازی‌های المپیک بر گروه‌های کم‌درآمد و حاشیه‌ای همیشه منفی بوده و هزینه‌های هنگفت توسعه شهر میزبان و وارد شدن آن به حوزه شهرهای جهانی، عمدتاً بر دوش این گروه‌ها قرار می‌گیرد. اثرات میزبانی المپیک بر مسکن معمولاً در قالب جابجایی و اخراج ساکنان نمود پیدا می‌کند که به دلایل گوناگون از جمله ایجاد زیرساخت‌های مربوطه، توسعه مجدد محدوده‌های شهری، اعیان‌سازی و افزایش قیمت املاک، کاهش عرضه مسکن‌های ارزان قیمت و نیز پاکسازی شهر از بی‌خانمان‌ها و فقرا صورت می‌گیرد. میزبانی بازی‌های المپیک با اینکه موجب توسعه کالبدی و اقتصادی شهرها می‌شود، اما آنچه که در حوزه اجتماعی به جای می‌گذارد، نابرابری اجتماعی - فضایی است.

واژگان کلیدی: بازی‌های المپیک، حق مسکن، اخراج اجباری، جابجایی، اعیان‌سازی

بیان مساله

رویدادهای بزرگ ورزشی^۱ مانند المپیک ممکن است مدت زیادی به طول نینجامد ولی می‌تواند اثراتی عمیق و بلند مدت بر شهر میزبان داشته باشد. تأثیرات این رویدادها می‌تواند در زمینه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، یا زیست‌محیطی باشد یا ترکیبی از این حوزه‌ها را تحت تأثیر قرار دهد.

سازمان ملل متحد در سال 2003 به مناسبت سال جهانی ورزش و تربیت بدنی اعلام کرد که ورزش وسیله‌ای برای «انسجام و همکاری به منظور ارتقاء فرهنگ صلح، برابری اجتماعی و جنسیتی، گفتگو و هماهنگی» است (UN, 2003). منشور المپیک نیز بیان کرده که «هدف المپیک این است که ورزش را در خدمت توسعه هماهنگ بشر و ترویج یک جامعه صلح آمیز با توجه به حفظ شرافت انسانی قرار دهد» (IOC, 2004). ارزش‌هایی که در پس این بیانیه‌ها و ارتباط ورزش با صلح نهفته، بدون شک قابل تقدیر است. علاوه بر این المپیک منافع نیز برای شهرهای میزبان دارد و موجب توسعه زیرساخت‌ها، اقتصاد، بازار کار، توریسم و نیز بهبود چهره شهر می‌شود. ولی بازی‌های المپیک اثرات منفی با دامنه‌ای گسترده نیز دارند. از جمله بدهی‌های سنگین که می‌تواند تا چند دهه اقتصاد شهرهای میزبان را دچار مشکل کند (Cox, 1996) و همچنین اثرات منفی زیست‌محیطی به دلیل ساخت و سازهای کلان. اما آنچه که بسیار حائز اهمیت است و در آثار علمی کمتر به آن پرداخته شده، اثرات اجتماعی برگزاری بازی‌های المپیک، به ویژه در حوزه مسکن است. معدود بحث‌های آکادمیک در مورد اثرات اجتماعی -

اقتصادی بازی‌های المپیک نشان می‌دهد که یک تقسیم‌بندی قوی بین طرفداران و منتقدان ایده استفاده از رویدادهای بزرگ ورزشی برای رسیدن به اهداف اجتماعی، وجود دارد. از یک طرف، عده‌ای بر این نکته تأکید می‌کنند که «وجود روحیه المپیک در شهر میزبان و نیز در سطح ملی، یک موقعیت نادر را برای توسعه و اقدامات فرهنگی، محلی و اجتماعی فراهم می‌آورد و فرصتی برای سرعت بخشیدن به تحولات بزرگ مقیاس ایجاد می‌کند» (London East Research Institute, 2007, 16). از طرف دیگر، کسانی هستند که بازی‌های المپیک را به «یک سیرک تجاری سرویس‌دهنده به توسعه‌گران املاک، شرکت‌های ساختمانی،

تامین‌کنندگان تجهیزات و حامیان تجاری» تشبیه می‌کنند که منافع آن در سطح جامعه محلی توزیع نمی‌شود (Keating in Essex & Chalkley 1998, 191). برخی معتقدند که بازی‌های المپیک اساساً یک اتفاق ورزشی است و نباید انتظار منافع اجتماعی از آن داشت. آنها المپیک را مانند یک مهمانی تلقی می‌کنند که شهر میزبان را برای مدتی در سطح بین‌المللی مورد توجه قرار می‌دهد و این تنها منفعتی است که ساکنان شهر میزبان می‌توانند انتظار داشته باشند. این دیدگاه توسط مک‌کی^۲ در مورد المپیک ۲۰۰۰ سیدنی مورد تأکید قرار گرفته است: «در حال حاضر بسیاری از مردم فکر می‌کنند که بازی‌ها می‌تواند ما را برای همیشه تغییر دهد [...] اما چرا دنبال چیزی هستید که احتمالاً هرگز به آن نمی‌رسید؟ ما [به واسطه بازی‌های المپیک] خاطرات لذت بخشی خواهیم داشت. آیا نباید به همین بسنده کنیم؟» (Haynes, 2001, 10) به عبارت دیگر، بازی‌های المپیک «عصای جادویی» نیست که برای شهر میزبان بهبود در امور اجتماعی به ارمغان آورد (Vigor et al 2004, 40). با این وجود، پیردوکوبرتن^۳ معتقد است که ورزش «باید سلامت بدنی افراد را ارتقاء دهد و ملیت‌ها و اقشار اجتماعی مختلف را، در یک دوره جدید دموکراسی و برابری اجتماعی، گرد هم آورد» (Essex & Chalkley 1998, 189). بنابراین می‌توان گفت که بازی‌های المپیک تا این هدف را تأمین نکنند، واقعاً موفق نیستند. اما بررسی سوابق برگزاری بازی‌های المپیک نشان می‌دهد که این اهداف اجتماعی چندان محقق نشده‌اند و در بسیاری موارد اثرات منفی بر زندگی ساکنان شهرهای میزبان، به ویژه اقشار محروم، داشته‌اند. پیش از برگزاری بازی‌های المپیک ۲۰۱۶ در شهر ریودوژانیرو در کشور برزیل، برخی از نشریات محلی و بین‌المللی اخباری را در مورد نارضایتی‌های ساکنان از تأثیر میزبانی این بازی‌ها بر وضعیت سکونت آنها منتشر کردند^۴. در چنین شرایطی پژوهش حاضر در نظر دارد به بررسی اثرات اجتماعی برگزاری بازی‌های المپیک به ویژه در حوزه مسکن در شهرهای میزبان بپردازد. بر این اساس پرسش‌های پژوهش به شرح زیر مطرح می‌شوند:

پرسش اصلی

- برگزاری بازی‌های المپیک چه اثراتی بر حوزه مسکن در شهرهای میزبان داشته و نحوه این تأثیرگذاری‌ها چگونه بوده است؟

پرسش‌های فرعی

- گروه‌های برنده و بازنده در شهرهای میزبان بازی‌های المپیک چه کسانی بوده‌اند؟
- اهداف اجتماعی بیان شده توسط کمیته ملی المپیک و مجمع جهانی سازمان ملل (صلح، برابری اجتماعی و حفظ شرافت انسانی) تا چه حد در حد بازی‌های المپیک محقق شده‌اند؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر از حیث ماهیت و روش «توصیفی-تحلیلی» بوده و به تبیین و تشریح ابعاد مساله، یعنی اثرات رویدادهای بزرگ ورزشی بر مسکن در شهرهای میزبان، و چگونگی آن می‌پردازد. از آنجا که امکان مطالعات میدانی وجود نداشته، داده‌ها از طریق مطالعه اسنادی شامل کتاب‌ها، مقالات، پایان نامه‌ها، گزارش‌های تخصصی، مطبوعات محلی و بین‌المللی و وبسایت‌های اجتماعی گردآوری شده‌اند. هفت شهر میزبان المپیک مورد مطالعه قرار گرفته‌اند که به دلیل محدودیت مقاله، پنج شهر شامل سئول، پکن، آتلانتا، سیدنی و ریودوژانیرو به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. در این پژوهش سعی شده که تا حد امکان در مورد هر یک از نمونه‌ها، اطلاعات به میزان نسبتاً مساوی گردآوری شود که تحلیل یکسان داده‌ها را امکان‌پذیر سازد.

پیشینه تحقیق

در سال‌های اخیر پژوهش‌های متعددی در مورد تاثیر بازی‌های المپیک بر مسکن در شهرهای میزبان انجام شده که همه آنها به مساله اخراج اجباری ساکنان به ویژه اقشار فقیر و کم درآمد پرداخته‌اند. به طور مثال اسکس و چالکلی (۲۰۰۴) در مقاله ای با عنوان رویدادهای بزرگ ورزشی به عنوان راهبردی برای بازآفرینی شهری، پس از بیان اثرات مثبت میزبانی المپیک بر شهرها از جمله بهبود زیرساخت‌ها، افزایش سرمایه گذاری‌ها، امکان پذیری پروژه‌های بزرگ مقیاس شهری و ارتقاء جایگاه جهانی شهر میزبان، به خطرات و اثرات منفی این رویدادها پرداخته‌اند. در میان این اثرات منفی، نویسندگان به اخراج ساکنان فقیر از محله‌های مرکزی و حاشیه ای شهرها به منظور ایجاد زیرساخت‌های المپیک و نیز اعیان‌سازی ناشی از پروژه‌های نوسازی شهری پرداخته‌اند. با اشاره به نمونه بارسلونا، آنها نشان داده‌اند که چگونه پروژه‌های نوسازی

که به منظور بهبود چهره شهر برای برگزاری المپیک، اجرا شده‌اند، موجب افزایش قیمت‌ها و در نتیجه اخراج مستقیم و غیر مستقیم قشر فقیر و کارگر از خانه و محله خود شده است.

مرکز حق مسکن و اخراج^۵ (2008) در گزارشی به بررسی میزبانی المپیک پکن و مساله حق مسکن پرداخته است. در این گزارش ذکر شده که حدود ۱،۵ میلیون نفر به دلیل ایجاد زیرساخت‌های مربوط به المپیک، زیباسازی شهر برای جذب توریست و بهبود زیرساخت‌های شهری، از مسکن خود جابجا شده‌اند. در گزارش تصریح شده که بسیاری از جابجایی‌ها به صورت اجباری بوده و مسکن جایگزین نیز برای همه ساکنان اخراج شده که از قشر فقیر و کم درآمد بوده‌اند، پیش بینی نشده است. در پایان این گزارش پیشنهاداتی به شهرداری پکن و کمیته ملی المپیک برای تعدیل اثرات منفی المپیک ۲۰۰۸ و جلوگیری از اخراج‌های اجباری ساکنان در رویدادهای آتی ارائه داده است.

پاول وات (۲۰۱۳) در مقاله خود به بررسی ارتباط المپیک ۲۰۱۲ و مساله مسکن و بازآفرینی در شرق لندن می‌پردازد. این مقاله بعد از مطرح کردن موضوع اعیان‌سازی که پیش از بازی‌های المپیک در لندن آغاز شده بود، به بررسی این موضوع می‌پردازد که تغییرات ایجاد شده در مسکن‌های اجتماعی اجاره ای چگونه با اعیان‌سازی دارایی مبنا ارتباط پیدا می‌کند. سپس به تحلیل جابجایی‌های ناشی از برنامه‌های بازآفرینی، که المپیک ۲۰۱۲ نیز جزئی از آن است، می‌پردازد. نکته قابل توجه این پژوهش این است که تجربه المپیک از دیدگاه ساکنان کم درآمد و قومیت‌های مختلف که در محدوده‌های کارگرنشین و مسکن‌های موقتی زندگی می‌کنند، مطالعه شده است. این دیدگاهی است که در پژوهش‌های مرتبط با اعیان‌سازی در لندن و سایر شهرها تا حد زیادی مغفول مانده است (Watt, 2013).

باربوسا ماتياس و ماسکارنهاس (۲۰۱۶) پیش از برگزاری بازی‌های المپیک ریو به بررسی و ارزیابی اثرات این بازیها بر شهر و گروه‌های مختلف پرداخته و «برندگان و یازندگان» این بازی‌ها را مشخص کرده‌اند. این نویسندگان معتقدند که هر اثر مثبتی برای طبقات مرفه به معنی اثری منفی برای طبقات اجتماعی فقیر است. اقدامات شهری که برای پروژه‌های مربوط به المپیک مخصوصاً خط BRT انجام شده، نه تنها اخراج و بی‌خانمانی تعداد زیادی از ساکنان فقیر را دربر داشته

همگان قائل شده است: «هرکسی حق برخورداری از یک زندگی استاندارد مناسب برای سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش را دارد؛ مانند غذا، لباس، مسکن و بهداشت و خدمات اجتماعی ضروری، و حق امنیت در صورت بیکاری، بیماری، ناتوانی، بیوه‌گی، کهنسالی یا عدم توان امرار معاش ...» (UN, 1948). سایر اسناد و معاهدات بین‌المللی که حق مسکن را جزء جدایی‌ناپذیر حقوق بشر دانسته‌اند عبارتند از: پیمان‌های متعدد سازمان بین‌المللی کار (۱۹۸۹-۱۹۴۸)، معاهده بین‌المللی مربوط به آوارگان (۱۹۵۱)، منشور بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی (۱۹۶۶)، منشور بین‌المللی حقوق سیاسی و فردی (۱۹۶۶)، پیمان رفع تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹)، استراتژی جهانی سرپناه تا سال ۲۰۰۰ (۱۹۸۸)، پیمان حقوق کودکان (۱۹۸۹)، اسکان بشر و دستور کارهای کنفرانس‌های هیئات تا ۱۹۹۶ و...

کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد (UNCESCR) در سال ۱۹۹۱ تعریف جامعی را از حق مسکن ارائه داده است. این کمیته حق مسکن را تنها برخورداری از سرپناه نمی‌داند، بلکه آن را به معنای برخورداری همه انسان‌ها از حق زیست در محیطی امن و آرام با حفظ عزت و کرامت انسانی می‌داند. این کمیته شاخص‌هایی را برای مسکن مناسب بیان می‌کند؛ از جمله: امنیت قضایی مالکیت؛ دسترسی به خدمات و تسهیلات؛ انطباق با استطاعت مالی و نیازمندان؛ قابلیت دسترسی برای آسیب‌دیدگان و محرومین؛ انطباق با نیازهای فرهنگی نیازمندان و ... (UNCESCR, 1991).

اخراج اجباری^۸

مساله اخراج اجباری معمولاً در چارچوب آماده‌سازی شهر برای رویدادهای بزرگ بین‌المللی و یا اجرای پروژه‌های شهری پیش می‌آید. «اصطلاح اخراج اجباری به اخراج دائمی یا موقت مردم از خانه یا زمینشان، برخلاف میل آنها، بدون برخورداری از حمایت‌های قانونی، اطلاق می‌شود» (UNCESCR, 1997). طبق نظر مارکوس (1986)، جابجایی می‌تواند گونه‌های مختلف داشته باشد: «مستقیم» و حتی همراه با اعمال فشار فیزیکی از طریق تخریب خانه‌ها و اخراج ساکنان و یا گاه فشار اقتصادی از طریق افزایش اجاره بها، و یا «غیرمستقیم» که مارکوس آن را «فشار جابجایی» می‌داند و «وقتی اتفاق می‌افتد که یک خانواده می‌بند

بلکه موجب از بین رفتن روابط و شبکه‌های اجتماعی ساکنان شده است.

ریموند گافنر (1984) در مقاله ای با عنوان «بازی‌های المپیک، مدال طلای اخراج‌ها»، با مثال‌هایی از بارسلونا و آتلانتا، اثرات میزبانی بازی‌های المپیک را بر حق مسکن استخراج کرده است. او نشان داده که میزبانی المپیک علاوه بر اخراج اجباری گروه‌های فقیر به دلیل تخریب مسکن‌هایشان، می‌تواند از طریق افزایش قیمت‌ها نیز موجب اخراج غیرمستقیم ساکنان به ویژه مستاجران شود. در مورد آتلانتا این نویسنده به بیرون کردن بی خانمان‌ها از شهر برای پاکسازی منظر شهری در زمان برگزاری المپیک اشاره کرده است.

کمیته جام جهانی و المپیک ریودوژانیرو در سال ۲۰۱۵ گزارشی را در مورد اثرات دو رویداد بزرگ ورزشی یعنی جام جهانی فوتبال و المپیک بر شهر ریو انجام داده است. بخشی از این گزارش در مورد مسکن است. در این گزارش ذکر شده که این رویدادهای ورزشی در ریو خشونت‌آمیزترین شکل نادیده گرفتن حق مسکن است. همچنین تصریح شده که یک سیاست مشخص مبنی بر جابجایی و اخراج گروه‌های فقیر از شهر به منظور منافع اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های کلان وجود داشته که از طریق اقدامات غیر قانونی و غیر انسانی تحقق یافته است.

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از مقالات، کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و گزارش‌های متعدد، سعی دارد یک ارزیابی تا حد امکان جامع از اثرات بازی‌های المپیک بر حق مسکن گروه‌های کم درآمد انجام دهد. به همین منظور به مطالعه یک نمونه اکتفا نکرده و چندین شهر را مورد بررسی قرار داده است، تا شناخت ابعاد و گونه‌های مختلف تاثیر المپیک بر مساله مسکن میسر باشد.

مبانی نظری تحقیق

حق مسکن^۹

حق برخورداری از مسکن مناسب در چند سند بین‌المللی حقوق بشر مورد توجه قرار گرفته و از مدت‌ها قبل به عنوان یک عامل ضروری در تضمین رفاه و شرافت انسانی قلمداد می‌شده است. از زمان تصویب بیانیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ «حق داشتن مسکن مناسب» به عنوان یکی از اجزای مهم «استانداردهای زندگی مطلوب» معرفی شده است. این بیانیه در ماده ۲۵ خود حق ویژه مسکن مناسب را برای

منشور المپیک (۱۹۹۶) و دستورالعمل ۲۱ جنبش المپیک (۱۹۹۹)^{۱۰} نیز اصولی را در ارتباط با موضوع مسکن در شهرهای میزبان المپیک مطرح کرده‌اند که می‌توان آنها را در هفت مورد زیر بیان کرد:

- حفاظت از شان و شرافت افراد^{۱۱}
- عدم تبعیض^{۱۲}
- برجای گذاشتن اثرات مثبت در شهر و کشور میزبان^{۱۳}
- ترویج توسعه پایدار که شامل ارضای نیازهای مادی ضروری برای جهت زندگی شرافتمندانه است^{۱۴}؛
- مبارزه با فقر و تبعیض، توجه ویژه به سرنوشت فقرا و محروم ترین اعضای جامعه^{۱۵}؛
- اصل مشارکت: همه گروه‌های ذینفع باید بتوانند در روند تصمیم‌گیری مربوط به رشد پایدار مشارکت فعال داشته باشند^{۱۶}؛
- احترام به حقوق بشر^{۱۷}: دستورالعمل ۲۱ خود را ملزم به اجرای کنوانسیون ۱۹۸۹ سازمان ملل پیرامون حقوق کودکان (CRC) و محکوم کردن و مبارزه با تجاوز به حقوق بشر می‌داند. بند ۲۷(۳) کنوانسیون ۱۹۸۹ سازمان ملل، بر حق برخورداری از یک زندگی استاندارد و مناسب را تأکید می‌کند که می‌توان حق برخورداری از مسکن مناسب را نیز استنتاج کرد (IOC, 1999).

یافته‌های تحقیق

المپیک ۱۹۸۸ سئول و مساله مسکن

سئول پایتخت کره جنوبی و یکی از بزرگترین کلانشهرهای جهان است. این شهر با مساحت ۶۰۵ کیلومتر مربع، جمعیتی حدود ۱۰۰ میلیون نفر را در خود جای داده است. سئول مرکز حکومتی، تجاری، مالی و تولیدی کره جنوبی است. از دهه ۱۹۶۰ کره جنوبی رشد صنعتی سریعی را آغاز کرده و اقتصاد آن شکوفا شد و مهاجرت به مناطق شهری نیز شدت گرفت. بخش مهمی از تاریخ سیاسی کره جنوبی بین سال‌های ۱۹۷۹ و ۱۹۸۸ واقع شده است و آماده‌سازی شهر سئول برای میزبانی المپیک همزمان شد با دوره تحولات اجتماعی و سیاسی در سطح کشور. در سال ۱۹۷۹ چون-دو-هوان^{۱۸} با یک کودتای نظامی قدرت را در دست گرفت و تا سال ۱۹۸۸ رئیس‌جمهور کره بود. ویژگی این دوره فقدان آزادی در جامعه، ناآرامی، عدم آزادی رسانه‌ها و افزایش تعداد زندانیان سیاسی بود. در چنین شرایطی بود که

که محله‌اش به‌طور غم‌انگیزی در حال تغییر است، وقتی که همه دوستانش در حال ترک محله‌اند، وقتی که مغازه‌ها تعطیل می‌شوند و مغازه‌های جدیدی برای مشتریان جدید ایجاد می‌شوند [...]، وقتی که تغییرات در امکانات عمومی، روش‌های حمل و نقل و خدمات پشتیبان باعث می‌شود که محله کمتر قابل زندگی باشد» (Marcuse, 1986, 157).

اخراج اجباری با الزامات کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد در تضاد است. در سال‌های اخیر، دادگاه‌های بین‌المللی و ملی و نیز نهادهای وابسته به سازمان ملل متحد، از جمله کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد (UNCESCR)، بسیاری از دولت‌ها را به دلیل اینکه به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم موجب اخراج اجباری جمعیت شده‌اند، محکوم کرده‌اند (همان). طبق قوانین بین‌المللی، اخراج فقط در مواقع استثنایی که هیچ راه دیگری وجود ندارد، امکان‌پذیر است. اما در همین موارد استثنایی نیز برخی نکات که مطابق حقوق بین‌الملل است، باید مورد توجه قرار گیرد؛ از جمله اطلاع‌رسانی به افراد تحت تاثیر در مورد پروژه و اخراج‌های ناشی از آن، مشورت کردن با افراد، از پیش اعلام کردن و دادن یک مهلت معقول (طبق اصول سازمان ملل ۹۰ روز) برای تخلیه، جبران خسارت‌های ساکنان و پرداخت غرامت یا اسکان مجدد آنها و... (Gafner, 2008).

رویدادهای بزرگ و اخراج اجباری در اسناد بین‌المللی

اگرچه اخراج‌های اجباری در شرایط گوناگون و به دلایل مختلف انجام می‌شوند، اما میزبانی رویدادهای بزرگ اغلب منجر به این اخراج‌ها می‌شود. قوانین و استانداردهای حقوق بشر اخراج‌های اجباری را ممنوع می‌کنند و هیچ استثنایی برای آن‌هایی که در قالب برگزاری یک رویداد بزرگ روی می‌دهند، قائل نیستند. طبق نظر کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل (UNCESCR)، اخراج‌های اجباری در نظر اول با الزامات «پیمان بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی»^{۱۹} ناسازگار است. جامعه بین‌الملل، از طریق کمیسیون حقوق بشر، مکرراً اخراج‌های اجباری را محکوم کرده است و آن را نقض شدید حقوق بشر و خصوصاً حق مسکن می‌داند (UN, 2004).

سئول خود را برای میزبانی المپیک آماده می‌کرد (COHRE, 2007a).

سئول در سال ۱۹۸۱ توسط کمیته بین‌المللی المپیک به عنوان میزبان بازی‌های ۱۹۸۸ انتخاب شد. بطور کلی، بازی‌های المپیک ۱۹۸۸ توسط جامعه ورزشی بین‌الملل و بخش عمده‌ای از عامه مردم موفقیت بزرگی قلمداد شد. دستاوردهای مثبت بازی‌های المپیک ۱۹۸۸ توسط کره‌ای‌ها و جهانیان شناخته شده است: امکانات پیشرفته‌ای برای ورزش، تفریح و سرگرمی به جای ماند؛ سیستم‌های حمل و نقل مدرن در شهر ایجاد شد؛ و مسکن‌های ویژه اقشار متوسط و بالا که بسیار پرطرفدار هستند، در محل دهکده المپیک - که در زمان بازی‌های المپیک ۱۹۸۸ ورزشکاران را در خود جای می‌دادند - به ارث ماند. اما این توسعه‌های سریع و آماده‌سازی شهر برای میزبانی المپیک یک روی تاریک نیز داشت. بازی‌های المپیک سال ۱۹۸۸ سئول، تاثیرات قابل توجهی روی مسکن گذاشت. از آنجا که آماده‌سازی شهر برای بازی‌های المپیک نیازمند زمین‌های وسیعی برای ایجاد زیرساخت‌ها و تجهیزات مربوط به المپیک و پذیرش بازدیدکنندگان خارجی بود، موجب اخراج گسترده ساکنان از مناطق شهری، محدوده‌های ویژه المپیک و مسیرهای حمل مشعل شد. بازی‌های المپیک مانند کاتالیزوری برای توسعه مجدد برخی مناطق شهری عمل کرد که موجب پاکسازی زائغه‌ها و اخراج تعداد قابل توجهی از ساکنان شد. این اخراج‌ها بی‌خانمان شدن بخش زیادی از ساکنان شهر را در پی داشت که نود درصد آنها مسکن جایگزین در همان محل دریافت نکردند و مجبور به سکونت در محلی بسیار دورتر از محل سکونت قبلی خود شدند (Greene, 2003). تحقیق گسترده‌ای که در سال ۱۹۸۹ توسط ائتلاف آسیایی حقوق مسکن^{۱۹} (ACHR) انجام شده نشان می‌دهد که حدود ۱۰۰ محله بین سال‌های ۱۹۸۲ و ۱۹۸۹ در سئول مورد توسعه مجدد قرار گرفته اند. بین ۱۹۸۳ و ۱۹۸۸، ۴۸ هزار ساختمان که ۷۲۰ هزار نفر را در خود جای می‌داد، تخریب شد. با استناد به این ارقام، در جلسه اسکان بشر سازمان ملل در سال ۱۹۸۷، کره جنوبی به دلیل تجاوز به حقوق بشر محکوم شد (ACHR, 1989).

ویژگی بارز اخراج ساکنان در سئول سطح خشونت‌ی بود که در تخریب محله‌های هدف اعمال می‌شد. تخلیه

محله‌ها توسط پرسنل امنیتی خصوصی انجام می‌شد که یک جو ترور و وحشت را در سطح این مناطق ایجاد کردند. ساکنان معمولاً نمی‌دانستند چه زمانی اخراج می‌شوند. بسیاری از آنها در مصاحبه‌ها اعلام کردند که «ما چیزی در مورد ترک محل سکونت خود از طریق اعلان^{۲۰} نشنیدیم، هر چه شنیدیم از چوب و چماق‌هایشان بود» (COHRE, 2007a).

علاوه بر اخراج‌های اجباری که به منظور تخریب و توسعه مجدد برخی محله‌ها صورت گرفت، افزایش قیمت مسکن - در اثر فرآیند اعیان‌سازی^{۲۰} - نیز علت دیگری بود که موجب جابجایی و حتی بی‌خانمان شدن بسیاری از ساکنان شد. در برنامه‌های توسعه مجدد، تمام مسکن‌های ارزان قیمت تخریب و با خانه‌هایی برای خانواده‌های متوسط و پردرآمد جایگزین شدند (Shin & Kim, 2015). در دوره آماده‌سازی برای بازی‌های المپیک، علیرغم رونق ساخت و ساز واحدهای مسکونی جدید، سیاست تولید مسکن ارزان قیمت نادیده گرفته شد و خانه‌های نوساز برای افراد اخراج شده طراحی نشدند. تعداد واحدهای استیجاری عمومی که در سال ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶ ساخته شدند، در برابر اخراج‌های اجباری ساکنان کم درآمد، بسیار ناچیز بود (Ha, 1994). ساکنان اخراج شده توانایی تامین هزینه مسکن جایگزین را نداشتند؛ در نتیجه بسیاری از آنها - با اینکه محل کارشان داخل شهر بود - مجبور شدند خارج از شهر یا دور از محل زندگی قبلی‌شان ساکن شوند (Greene, 2003). این جابجایی‌ها، از نظر دسترسی به فرصت‌های اشتغال و تحصیل، تاثیرات قابل توجهی روی ساکنان گذاشت.

قبل از برگزاری المپیک و در طول بازی‌ها، گروه‌های حاشیه‌ای جامعه به طور شدیدی تحت تاثیر قرار گرفتند. فقرا و خانه‌های شان بدریخت قلمداد شدند و با تصویری که سئول قصد داشت از خود ارائه بدهد، سازگار نبودند. هر جا که امکان اجرای پروژه‌های توسعه مجدد در زمان مقرر برای بازی‌های المپیک وجود نداشت، دیوارهایی پیرامون مناطق فقیرنشین ساخته شد تا محل زندگی فقرا از دید پنهان شود (COHRE, 2007a). علاوه بر خانواده‌های کم درآمد ساکن در خانه‌های قدیمی، بی‌خانمان‌ها و دستفروشان نیز در قالب شعار «زیباسازی شهر» برای میزبانی المپیک، بیرون رانده شدند (همان).



تصویر (۱): دهکده المپیک سنول

منبع: Architects & Engineers Ltd. ILKUN (<https://www.ilkun.net>)

المپیک ۱۹۹۶ آتلانتا و مساله مسکن

آتلانتا مرکز ایالت جورجیای آمریکا است که جمعیت آن در سال ۲۰۰۶ بیش از پنج میلیون نفر محاسبه شده است. آتلانتا کلاتشهر اقتصادی جنوب شرق آمریکا است و کمپانی‌های بین‌المللی بسیاری را در خود جای داده است. با این وجود یکی از مهمترین ویژگی‌های این شهر جدایی اجتماعی و فقر شهری شدید است که در حوزه مسکن بیشتر محسوس است. علاوه بر این، آتلانتا به عنوان محل «جنبش‌های حقوق شهری» شناخته می‌شود. گفته می‌شود که این جدایی اجتماعی نتیجه اقدامات خشونت‌آمیز سیاستگذاران بود که می‌خواستند سیاهپوستان را پراکنده کنند. بین سال‌های ۱۹۴۵ و ۱۹۵۳، بیش از ۴۰۰ خانواده مستاجر از یک محله اخراج شدند، بدون اینکه گرامتی به آنها داده شود و یا اینکه مسکن معوضی برایشان در نظر گرفته شود. در سال ۱۹۷۹ نیز یک محله که سیاهپوستان را در خود جای می‌داد، برای ساخت ایستگاه قطار، در کنار یک مرکز خرید بزرگ تخریب شد. بنابراین مشاهده می‌شود که اخراج اجباری ساکنان فقیر در آتلانتا موضوع جدیدی

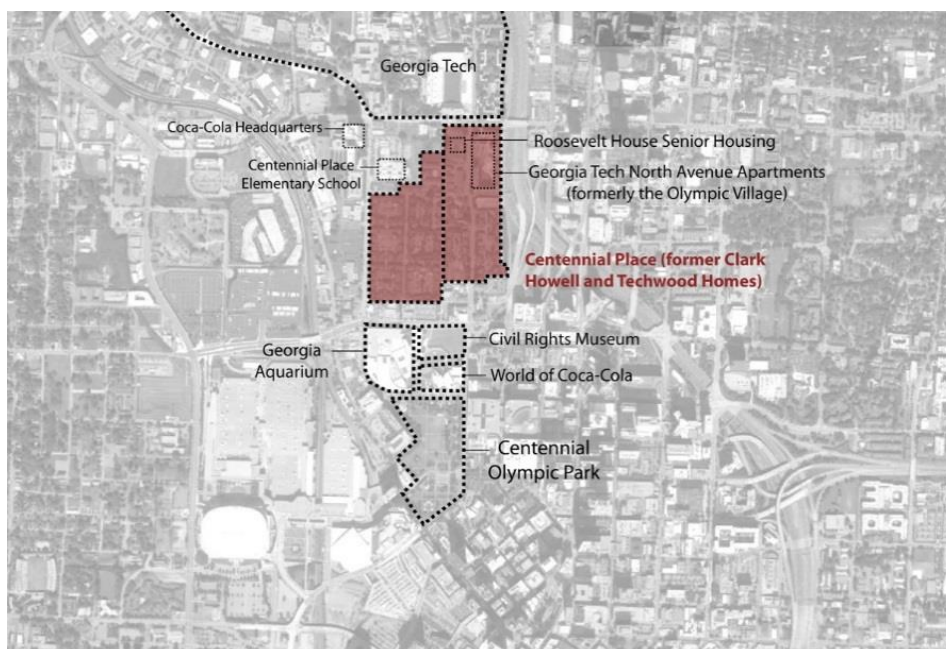
نیست. سال‌های قبل از برنامه ریزی برای میزبانی المپیک، طرح‌های توسعه شهری بر محدوده مرکزی شهر متمرکز شده بودند. برنامه‌های مسکن‌سازی نیز بر اعیان‌سازی تاکید داشتند: خانه‌های لوکس گران قیمت و محله‌های دروازه دار. ساخت مسکن‌های قابل پرداخت در دستور کار شهرداری نبود. از طرف دیگر مسکن‌های اجتماعی مرکز شهر رو به فرسایش بود و این بدین معنی بود که در زمینه‌سازی برای میزبانی المپیک، این املاک تخریب خواهند شد.

آتلانتا در سال ۱۹۹۰ برای میزبانی بازی‌های المپیک ۱۹۹۶ انتخاب شد. نکته کلیدی بازی‌های المپیک ۱۹۹۶ آتلانتا، مجرم شناختن و به زندان انداختن بی‌خانمان‌ها با هدف «پاکسازی» شهر بود. در سال‌های ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶، ۹۰۰۰ بی‌خانمان دستگیر شدند. دستگیری و اذیت و آزار بی‌خانمان‌ها برای تهدید آنها بود و متولیان این امر امید داشتند که این اقدامات باعث شود بی‌خانمان‌ها شهر را ترک کنند و یا حداقل کمتر در شهر ظاهر شوند (Vale & Gray, 2013). سخت‌گیری‌های دیگری نیز در مورد بی‌خانمان‌ها اعمال شد. از جمله اینکه رستوران‌هایی که به این افراد غذا

می‌دادند از سوی قدرت‌های شهری تحت فشار قرار گرفتند که به تعداد افراد کمتری غذا بدهند؛ سرپناه‌های افراد بی‌خانمان از میان برداشته شد؛ نهاد «کمک به مسافران»^{۲۱}، که یک نهاد غیر انتفاعی است، به جابجایی مردم و مسافران کمک کرد و برای اینکه فقرا و بی‌خانمان‌ها را در طول بازی‌های المپیک از شهر خارج کند، با استفاده از منابع مالی که دولت در اختیارش قرار داده بود، هزاران دلار بلیط یک طرفه اتوبوس برای این افراد تهیه کرد. فقرا و بی‌خانمان‌ها که اغلب آمریکایی‌های آفریقایی تبار بودند، مجبور بودند که آتلانتا را ترک کنند و به مقصدهایی مانند بیرمنگام، آلاباما و فلوریدا بروند (COHRE, 2007a).

در چارچوب آماده سازی شهر برای بازی‌های المپیک، تاجران و برنامه ریزان شهری پیشنهاد تخریب خانه‌های «تکوود»^{۲۲}، قدیمی ترین مجموعه مسکن اجتماعی در آمریکا (که در لیست میراث تاریخی ثبت شده) و بازده مجموعه مسکن اجتماعی دیگر را دادند (Gafner, 2008; Vale & Gray, 2013). تکوود به دلیل خرابی‌ها و مشکلاتش تحت عنوان «معضل تکوود»^{۲۳} نامیده می‌شد. ولی ساکنانش بیان کردند که این مشکلات فقط به این دلیل است که محله‌هایی که

سیاهپوستان و افراد فقیر را در خود جای می‌دهند، از چند دهه پیش از سوی قدرت‌های شهری رها شده اند و با هدف تبدیل آنها به گتو و در نتیجه مهیا شدن برای توسعه مجدد و اعیان‌سازی، خدمات عمومی از جمله حضور پلیس در این محله‌ها حذف شده است. بازی‌های المپیک برای توسعه‌گران، فعالان بخش تجارت و شهرداری این فرصت را ایجاد کرد که این پروژه را سریع‌تر پیش ببرند. برخی فعالان حوزه مسکن از جمله لاری کیتینگ^{۲۴}، استاد دانشگاه و متخصص حوزه مسکن و دیک بردفیلد^{۲۵} معمار اهل آتلانتا که به طور مستقیم با ساکنان این مجموعه مسکونی کار می‌کردند، در بررسی‌های خود نشان دادند که تخریب‌ها به منظور آماده سازی برای المپیک می‌توانست به صد واحد مسکونی محدود شود. اما مطالعات و بررسی‌های آنها با بی‌توجهی روبرو شد و مجموعه به طور کامل تخریب شد و جای خود را به دهکده المپیک داد که قرار بود ورزشکاران و بخشی اهالی رسانه را در خود جای دهد (Gafner, 2008). با تخریب این مجموعه مسکونی ۱۰۰۰ خانوار (تقریباً ۴۰۰۰ نفر) اخراج شدند (COHRE, 2007a).



تصویر (۲): محدوده مجموعه مسکونی تکوود در مرکز شهر آتلانتا که برای ایجاد دهکده المپیک تخریب شد.

منبع: Vale & Gray, 2013

ساکنان مستاجرند (Australian Bureau of Statistics, Sydney Statistical Division, 2002). در استرالیا قوانین اندکی برای کنترل قیمت مسکن و اجاره بها وجود دارد. گروه‌های آسیب پذیر در حوزه مسکن شامل جوانان، خانواده‌های تک سرپرست، بی خانمان‌ها و غیر بومی‌ها می‌شود. بسیاری از افراد غیر بومی در خانه‌های زیر استاندارد زندگی می‌کنند و از شرایط بهداشتی و سلامت مناسبی برخوردار نیستند (COHRE, 2007b).

در نگاه اول به نظر می‌رسد که برگزاری المپیک ۲۰۰۰ در سیدنی، در مقایسه با تجارب سایر شهرهای میزبان المپیک، تاثیر چندانی بر مسکن نداشته است. زیرا به منظور ساخت و ساز یا ایجاد امکانات و زیرساخت‌ها برای بازی‌های المپیک، ساکنان به اجبار اخراج نشده‌اند. با این وجود برگزاری المپیک اثرات منفی قابل توجهی روی مسکن داشته است. در واقع المپیک ۲۰۰۰ بخشی از فرآیند اعیان‌سازی سیدنی و یکی از راه‌هایی بود که دولت قصد داشت سیدنی را به یک «شهر جهانی» تبدیل کند. در تجربه سیدنی مانند بسیاری از شهرهای دیگر، ورزش تنها بخشی از انگیزه دولت و فعالان حوزه تجارت برای میزبانی بازی‌های المپیک ۲۰۰۰ بود. انگیزه اصلی که پشت این بازی‌ها بود، ارتقاء دادن سیدنی به عنوان یک «شهر جهانی» بود (Cashman and Hughes, 1999,70).

به واسطه بازی‌های المپیک توسعه‌های بسیاری با سرعت زیاد صورت گرفت و در نتیجه این توسعه‌ها، تعداد مسکن‌های قابل پرداخت^{۲۶} برای اقشار کم درآمد کاهش یافت. برای ساخت و سازهای مربوط به المپیک، هیچ یک از مسکن‌های اجتماعی تخریب نشدند، اما تعداد آنها افزایش نیافت. در استرالیا مسکن‌های اجاره‌ای جمعی^{۲۷}، شکل غالب مسکن برای اقشار کم درآمد یا بدون درآمد است. هر فردی یک اتاق اجاره می‌کند و بخش‌های دیگر مانند آشپزخانه، حمام و سرویس بهداشتی مشترک‌اند. ساکنان این خانه‌ها به طور قانونی مستاجر به شمار نمی‌آیند و مشمول قانون مستاجران نمی‌شوند. بنابراین مالکان می‌توانند بدون اخطار قبلی آنها را اخراج کنند. تعداد این نوع مسکن‌ها در سیدنی به تدریج کاهش یافت. به طور مثال تا سال ۱۹۸۸، ۷۶٪ این مسکن‌ها در جنوب سیدنی از بین رفتند. برگزاری بازی‌های المپیک نیز نقش قابل توجهی در کم شدن میزان مسکن‌های اجاره‌ای جمعی داشت. بسیاری از

تسریع اعیان‌سازی و فرآیند زیباسازی که مردم فقیر را از مرکز شهر آتلانتا اخراج کرد، موجب افزایش قابل توجه اجاره‌بها و قیمت مسکن شد. این فرآیند با بازی‌های المپیک شدت یافت و به عده‌ای از تاجران و سیاست‌مداران اجازه داد که کنترل توسعه شهر را در دست بگیرند. در نتیجه این اعیان‌سازی، تعداد زیادی از خانواده‌های فقیر که در مجموع حدود ۳۰ هزار نفر بودند، از خانه‌های خود جابجا شدند (COHRE, 2007a). در مصاحبه‌ای که ریموند گافنر (1984) با لاری کیتینگ، استاد دانشگاه جورجیا انجام داده، کیتینگ بیان کرده که «در آتلانتا المپیک این فرصت را به توسعه‌گران داد که ابعاد سیاسی را پنهان کنند. به عبارت دیگر، مردم آنچه را که پشت پرده بود ندیدند. بازی‌های المپیک با شروع اعیان‌سازی هم زمان شد. در واقع جو المپیک ظاهری آراسته و مطلوب را از این اعیان‌سازی‌ها به تصویر کشید و همین باعث شد که مردم نرم و انعطاف‌پذیر باشند» (Gafner, 2008).

در مجموع بیش از سی هزار نفر به دلیل اعیان‌سازی ناشی از المپیک، تخریب مسکن‌های عمومی، سوداگری مسکن‌های اجاره‌ای و نوسازی شهری در آتلانتا جابجا شدند (Atlanta Regional Commission, 2002). به طور کلی، بازی‌های المپیک یک عامل بسیار مهم در وخیم شدن وضعیت مسکن برای افراد کم درآمد و آمریکایی‌های آفریقایی تبار ساکن آتلانتا بود. امروزه که هم که بیست سال از بازی‌های المپیک آتلانتا می‌گذرد، این شهر هنوز یک شهر تفکیک شده است. اغلب محله‌ها دچار جدایی اجتماعی هستند و درآمد خانواده‌های آمریکایی آفریقایی تبار، بسیار پایین‌تر از سفیدپوستان است.

المپیک ۲۰۰۰ سیدنی و مساله مسکن

سیدنی بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین شهر استرالیا است. این شهر امروزه حدود چهار میلیون نفر جمعیت دارد که عمدتاً از اقوام و نژادهای گوناگون‌اند و به همین دلیل این شهر دارای تنوع فرهنگی بسیار زیادی است. این شهر نماد کشور استرالیا به شمار می‌رود. سیدنی یکی از گرانتترین شهرهای جهان از نظر هزینه زندگی است. بطور کلی استرالیا از لحاظ مالکیت مسکن کشور نسبتاً مرفهی است. حدود دو سوم مردم در این کشور مالک‌اند. با این وجود ۲۶٫۳٪ مردم مستاجرند. اما در سیدنی میانگین مستاجران بالاتر از متوسط کل کشور بوده و ۵۳٪ از

(Australian Associated Press, 1998). با این وجود در زمان برگزاری بازی‌های المپیک، دولت نتوانست رویکرد پیش گیرانه در مقابل افزایش اجاره بها و اخراج ساکنان اتخاذ کند و توصیه‌های ذکر شده در قوانین مصوب در مورد حقوق مستاجران را بکار بندد. در نتیجه تعداد مسکن‌های قابل پرداخت در زمان المپیک کم شد؛ میزان مالکیت مسکن کاهش یافت و با وجود رشد جمعیت، تعداد مسکن‌های اجتماعی افزایش نیافت (Yates and Gabriel, 2006). به طوری که در سال ۲۰۰۶ سیدنی تبدیل به هفتمین شهر گران جهان شد. قبل از برگزاری بازی‌های المپیک سیدنی قومیت‌های مختلف را در خود جای می‌داد که در کنار هم زندگی می‌کردند. اما افزایش سریع قیمت املاک به دلیل برگزاری بازی‌های المپیک باعث شد که شکاف طبقاتی بین گروه‌های فقیر و ثروتمند بیشتر شود (Neilson, 2002).

المپیک ۲۰۰۸ پکن و مساله مسکن

پکن پایتخت کشور چین و یکی از پرجمعیت‌ترین شهرهای دنیاست. جمعیت این شهر در سال ۲۰۱۳ بیش از ۲۱ میلیون نفر برآورد شده است. پکن مرکز سیاسی، فرهنگی و آموزشی کشور است. در سال‌های اخیر بخش مسکن در این شهر رشد قابل توجهی کرده است. در دهه‌های گذشته شهر پکن و به طور کلی کشور چین تغییر و تحولاتی را در حوزه مسکن تجربه کرده اند. در سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۸۰، مسکن در چین به عنوان یک کالای رفاهی تلقی می‌شد. بعد از انقلاب کمونیست‌ها و ملی شدن مسکن شهری، مسکن‌های موجود به مردم واگذار شد و مسکن‌های جدیدی نیز برای پاسخگویی به نیاز جمعیت در حال رشد ساخته شد. طی دهه ۱۹۸۰، اغلب مردم چین مسکن مناسب و راحتی نداشتند. در این زمان تصمیم گیران سیاسی به این نتیجه رسیدند که مسکن دیگر نمی‌تواند به عنوان یک کالای رفاهی تلقی شود و ساکنان باید تمام هزینه‌های مسکن خود را برعهده بگیرند؛ یا اجاره بهایی پرداخت کنند که همه هزینه‌ها را پوشش دهد (شامل هزینه ساخت، نگهداری و...) و یا مسکن را خریداری کنند. دولت شروع به ساختن خانه‌هایی برای فروش کرد. این مسکن‌ها با این هدف ساخته شده بودند که چینی‌های مقیم خارج و یا چینی‌هایی که می‌توانستند ارز خارجی پرداخت کنند این خانه‌ها را بخرند. قیمت این مسکن‌ها بسیار بالاتر از

مالکان این خانه‌ها به مستاجران اعلام کردند که خانه را تخلیه کنند، چون می‌خواستند نوسازی کرده و در زمان برگزاری المپیک با قیمت بالاتر به بازدیدکنندگان المپیک اجاره دهند (COHRE, 2007b). به‌طور مثال، خانه‌ای با دو اتاق در حومه سیدنی، در طول بازی‌های المپیک ۵۶۰۰ دلار استرالیا به ازای یک هفته اجاره داده می‌شد، در حالی که اجاره همین خانه پیش از المپیک ۳۰۰ دلار به ازای یک هفته بود (Rentwatchers, 1999).

قبل از برگزاری المپیک برخی مالکان تصمیم گرفتند که خانه‌های خود را نوسازی کنند و به همین دلیل به مستاجران اخطار دادند که خانه‌ها را تخلیه کنند. برخی دیگر از مالکان نیز دوره قبل از المپیک را فرصت خوبی برای فروش خانه‌هایشان دیدند و به همین دلیل مستاجران را بیرون کردند (COHRE, 2007b).

بازی‌های المپیک موجب تسریع فرآیند اعیان‌سازی شد. اعیان‌سازی سیدنی با نوسازی خانه‌های موجود در مرکز شهر و استفاده مجدد از ۶۲۰ محدوده رها شده^{۲۸} برای ساخت و ساز با تراکم بالا و توسعه درون‌زا همراه بود. استادیوم اصلی و دهکده المپیک نیز در یکی از همین زمین‌ها ساخته شد. در نتیجه این توسعه‌ها قیمت مسکن و اجاره بها با نرخی بالاتر از نرخ معمول تورم افزایش یافت، به طوری که در فاصله سال‌های ۱۹۹۶ و ۲۰۰۳، قیمت مسکن بیش از دو برابر شد. هرچند برخی کارشناسان معتقدند که المپیک فقط یکی از عوامل افزایش اجاره بهای املاک بود. گری مور^{۲۹} در مصاحبه با COHRE گفته که «کاهش مسکن‌های ارزان قیمت در سیدنی قبل از برگزاری المپیک شروع شده بود. کاری که المپیک کرد این بود که اعیان‌سازی را علنی کرد و اقداماتی را که در سیدنی در حال صورت گرفتن بود، تثبیت کرد» (COHRE, 2007b).

گروه‌های آسیب پذیر در سیدنی عبارت بودند از بومیان استرالیا، افراد کم درآمد، بی‌خانمان‌ها، افراد دارای مشکلات ذهنی و همچنین جوانانی که باید خانه‌های خود را ترک می‌کردند. قبل از برگزاری المپیک ۲۰۰۰ در سیدنی اعلام شد برای اینکه حس خوبی در طول بازی‌های المپیک ایجاد شود، «نگون بختان»^{۳۰} از خیابان‌های سیدنی حذف نمی‌شوند و ایده هیتلر در سال ۱۹۳۶ که به منظور ارائه تصویری مثبت از جهان، این افراد را از خیابان‌ها حذف کرد، قابل قبول نیست

آن بود که غالب مردم چین توان خرید آن را داشته باشند. از اواخر سال ۱۹۹۸، دولت این سیستم مسکن را تغییر داد و کارمندان و شاغلان می‌توانستند مسکن خود را با قیمتی تقریباً چهاربرابر حقوق سالانه متوسط خود بخرند. خریداران می‌توانستند وام بانکی نیز بگیرند. آنها که توان خرید خانه را نداشتند می‌توانستند خانه اجاره کنند و برای کسانی که توان پرداخت اجاره بها را نداشتند، این امکان وجود داشت که از قدرتهای محلی کمک‌های ویژه درخواست کنند. در مقابل، در شهرهای مهم ساحلی که سرمایه‌گذاری‌های خارجی زیاد بود، سوداگری مسکن شکل گرفت. شهرهای اصلی چین برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی با یکدیگر وارد رقابت شدند و بدین منظور برنامه‌های بزرگ مقیاس بازآفرینی شهری را آغاز کردند. این برنامه‌ها شامل ساخت مسکن‌های لوکس، ساختمان‌های اداری و تجاری، امکانات تفریحی، زیرساخت‌های شهری و... بود. اجرای این برنامه‌ها نیاز به اراضی زیادی داشت که بخش قابل توجهی از آنها قبلاً زیر ساخت رفته بود (خانه‌ها، مدارس، کارخانه‌ها و...). بنابراین در دهه ۱۹۹۰، اخراج اجباری ساکنان به منظور اجرای پروژه‌های جدید، تبدیل به امری عادی شد. در پکن، در ابتدای سال‌های ۲۰۰۰، قدرتهای ملی و محلی دریافتند که برای کسب سود بیشتر، باید پروژه‌های بسیار لوکس و مجلل را در محدوده مرکزی شهر اجرا کنند. بنابراین گروه‌های فقیر ساکن در مرکز شهر پکن به حومه‌های بسیار دور رانده شدند. توسعه‌های جدید در پکن موجب تشدید شکاف اجتماعی و اقتصادی بین ساکنان شد (COHRE, 2007a).

آن بود که غالب مردم چین توان خرید آن را داشته باشند. از اواخر سال ۱۹۹۸، دولت این سیستم مسکن را تغییر داد و کارمندان و شاغلان می‌توانستند مسکن خود را با قیمتی تقریباً چهاربرابر حقوق سالانه متوسط خود بخرند. خریداران می‌توانستند وام بانکی نیز بگیرند. آنها که توان خرید خانه را نداشتند می‌توانستند خانه اجاره کنند و برای کسانی که توان پرداخت اجاره بها را نداشتند، این امکان وجود داشت که از قدرتهای محلی کمک‌های ویژه درخواست کنند. در مقابل، در شهرهای مهم ساحلی که سرمایه‌گذاری‌های خارجی زیاد بود، سوداگری مسکن شکل گرفت. شهرهای اصلی چین برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی با یکدیگر وارد رقابت شدند و بدین منظور برنامه‌های بزرگ مقیاس بازآفرینی شهری را آغاز کردند. این برنامه‌ها شامل ساخت مسکن‌های لوکس، ساختمان‌های اداری و تجاری، امکانات تفریحی، زیرساخت‌های شهری و... بود. اجرای این برنامه‌ها نیاز به اراضی زیادی داشت که بخش قابل توجهی از آنها قبلاً زیر ساخت رفته بود (خانه‌ها، مدارس، کارخانه‌ها و...). بنابراین در دهه ۱۹۹۰، اخراج اجباری ساکنان به منظور اجرای پروژه‌های جدید، تبدیل به امری عادی شد. در پکن، در ابتدای سال‌های ۲۰۰۰، قدرتهای ملی و محلی دریافتند که برای کسب سود بیشتر، باید پروژه‌های بسیار لوکس و مجلل را در محدوده مرکزی شهر اجرا کنند. بنابراین گروه‌های فقیر ساکن در مرکز شهر پکن به حومه‌های بسیار دور رانده شدند. توسعه‌های جدید در پکن موجب تشدید شکاف اجتماعی و اقتصادی بین ساکنان شد (COHRE, 2007a).

چین قصد داشت از طریق بازی‌های المپیک 2008 تبدیل به ابرقدرت واقعی قرن بیست و یکم شود. تحقق چنین تصویری نیازمند تغییر و دگرگونی عمیق ساکنان، سبک زندگی، فرهنگ، ساختار شهر و سیستم حمل و نقل بود. براساس گزارشات دولت چین، ۱۵ میلیون نفر اخراج شدند تا فضا برای ایجاد زیرساخت‌های شهری، امکانات مربوط به المپیک و زیباسازی شهر فراهم شود (Amnesty International, 2007). قوانین حقوقی چین در حوزه املاک، چاقوب قانونی برای اخراج ساکنان را مهیا کرد. در چین زمین با مالکیت خصوصی وجود ندارد. تمام زمین‌های شهری در تملک دولت هستند که برای مدت معینی آنها را به افراد خصوصی واگذار می‌کند (Congressional Executive

در پکن مسئولان از بازی‌های المپیک هم به عنوان ابزاری برای تشویق ساکنان برای تخلیه داوطلبانه مسکن‌ها استفاده کردند و هم به عنوان ابزاری جهت تهدید ساکنان برای تخلیه سریع تر. به دستور مقامات، شعارهایی روی دیوارهای محله‌ها نوشته شد: «بازی‌های المپیک خوش آمدید»، «فرصت را غنیمت شمردید»، «محیط پیرامون مان را بهتر کنیم»، و «زندگی جدیدی را آغاز کنید». این شعارها مردم را تشویق می‌کرد که پیشنهاد غرامت را بپذیرند و به نفع بهتر شدن جامعه خود، هر چه زودتر محل را تخلیه کنند. مسئولان از مردم می‌خواستند که رفاه جامعه را بالاتر از حقوق فردی خود قلمداد کنند و برای شناخته شدن کشورشان در سطح جهان همکاری کنند. اما بسیاری از ساکنان قبول نداشتند که انجام کاری به نفع جامعه، به نفع خود آنها هم باشد. بنابراین آنها نیز شعارهای خود را روی دیوار خانه‌هایشان نوشته و به ارقام غیرمنصفانه غرامت‌ها اعتراض کردند (Boykoff, 2014). شهرداری پکن و کمیته سازماندهی پکن برای بازی‌های المپیک (BOCOG) مسکن‌های استیجاری ارزان قیمت را تخریب کردند و بدین منظور از تاکتیک‌هایی مثل اذیت و آزار، سرکوب، حبس، و حتی خشونت علیه ساکنان و فعالان استفاده کردند. در بعضی موارد، مستاجران هیچ هشداردی در مورد تخلیه خانه‌هایشان دریافت نکردند و پولی که جهت جبران خسارت به آنها قول داده شده بود، پرداخت نشد. میزان غرامت‌های پرداخت شده آنقدر کم بود که خانواده‌های آسیب دیده نتوانستند در جایی با همان استاندارد زندگی قبلی ساکن شوند. آنها مجبور شدند به جایی دورتر از محل اشتغال، شبکه‌های اجتماعی، مدارس مناسب و امکانات بهداشتی بروند. ساکنین همچنین بیان کرده اند که با شکل‌های گوناگونی از آزار و اذیت در زمان مذاکره در مورد غرامت روبرو شده اند. برای مثال، پلیس به محل کار برخی از آنها می‌رفت و به کارفرمایان فشار می‌آورد که در صورت عدم موافقت با غرامت پیشنهادی، این افراد را از

بخش زیادی از یک و نیم میلیون نفر شهروند پکن که به خاطر ساخت و ساز و توسعه مجدد شهر در طی هشت سال قبل از بازی از خانه‌هایشان اخراج شده بودند، اعتراض کردند که رویای آنها این نبوده است که از خانه‌هایشان اخراج شوند تا میزبان یک رویداد ورزشی شوند. کسانی که صراحتاً اعتراض خود را اعلام کردند، با تعرض، خشونت و بازداشت توسط مقامات چینی روبرو شدند (همان).

ساکنانی که به ازای واگذاری ملک خود غرامت کافی دریافت نکرده بودند، در نامه ای سرگشاده به مقامات محلی نوشتند: «ما المپیک نمی‌خواهیم، ما حقوق بشر می‌خواهیم» (China Rights Forum, 2007, 29).

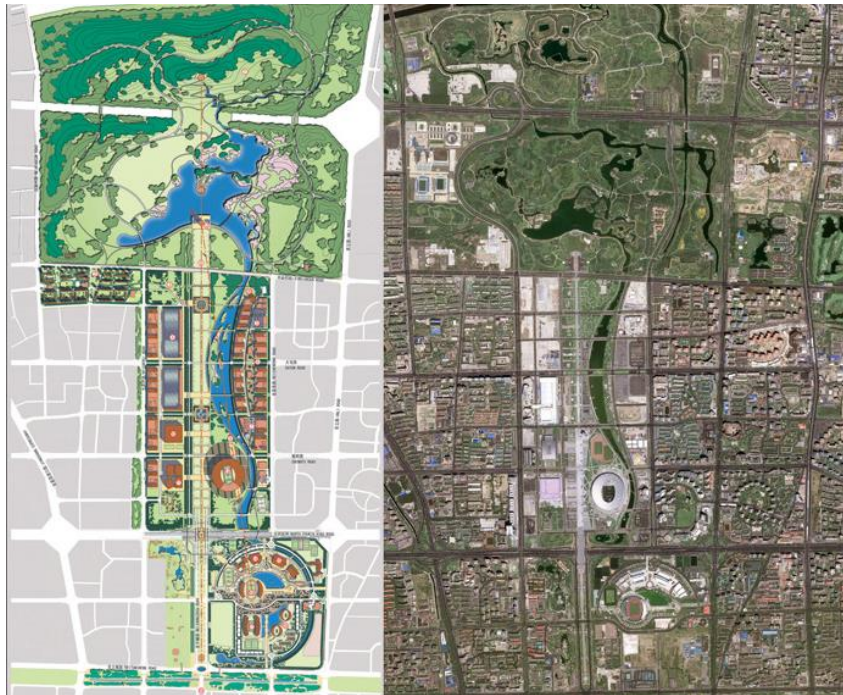
واگذاری بازی‌های المپیک به چین و در نتیجه نقض شدید حقوق بشر، بحث و جدل‌هایی را در پی داشت. مدافعان حقوق بشر، کمیته بین‌المللی المپیک را در این ماجرا مقصر می‌دانستند، زیرا میزبانی بازی‌ها را به کشوری واگذار کرده بود که در آن زمان بیشترین تعداد خبرنگاران زندانی را نسبت به سایر کشورها داشت و فسادهای مالی مقامات رسمی، مصادره زمین‌های شخص توسط دولت و ... از موارد نقض حقوق بشر در این کشور بود (COHRE, 2007a).

کار اخراج کنند. در مواجهه با چنین آزار و اذیتی و تهدیدات شفاهی از طرف شرکت مذاکره کننده، بسیاری از خانواده‌ها غرامتی بسیار پایین را پذیرفتند (Congressional Executive Commission on) (China, 2010).

در مصاحبه ای که COHRE با یکی از مغازه داران در محله‌های هدف تخریب انجام داده، وی ابراز کرده که مدت بیست سال در این منطقه زندگی و کار می‌کرده و دخترش در این ساختمان متولد شده است. این زن میانسال و خانواده‌اش در طبقه اول مغازه‌ای دایر کرده و در اتاق‌های بالای مغازه زندگی می‌کردند. آنها نمی‌دانستند که چه زمانی و چگونه مجبور به تخلیه خواهند شد، چون هنوز با مسئولان بر سر مبلغ غرامت به توافق نرسیده بودند. آنها نمی‌دانست کجا خواهد رفت و اینکه آیا می‌توانند در مکان جدید نیز مغازه دایر کنند یا نه (COHRE, 2007a).

وضعیت برای مستاجران بسیار سخت تر از وضعیت صاحبخانه‌های آواره بود. چون به آنها در زمان اخراج غرامتی پرداخت نمی‌شد (COHRE, 2007a).

بازی‌های المپیک ۲۰۰۸ تحت شعار «یک جهان، یک رویا» انجام شد (COHRE, 2008). اما این سوال در ذهن مردم مطرح بود که این رویای چه کسی است؟



تصویر (۳): محدوده المپیک پارک پکن

منبع: گروه طراحی سزاکی (<http://www.sasaki.com>)

المپیک ۲۰۱۶ ریودوژانیرو و مساله مسکن

ریودوژانیرو دومین شهر بزرگ برزیل است که بین سال‌های ۱۸۲۲ تا ۱۹۶۰ پایتخت این کشور برزیل بوده است. این شهر با مساحتی حدود ۱۲۶۰ کیلومتر مربع، بیش از شش میلیون نفر جمعیت را در خود جای داده است. حدود یک سوم جمعیت^{۳۱} این شهر در سکونتگاه‌های غیر رسمی و زاغه‌هایی زندگی می‌کنند که «فاولا»^{۳۲} نامیده می‌شود (Langellier, 2009). این محدوده‌ها جمعیت فقیری را در خود جای می‌دهند که دسترسی به مسکن‌های اجتماعی نداشته‌اند. این زاغه‌ها معمولاً روی تپه واقع شده و با مصالح بسیار نامقاوم که ساکنان از میان زباله‌ها جمع‌آوری کرده‌اند، ساخته شده‌اند.

شهر ریودوژانیرو در تمام تاریخ خود به بی‌عدالتی و نابرابری معروف بوده و این وضعیت در قرن بیستم که برزیل به سرعت صنعتی شد، بسیار وخیم بوده است. مساله «حق به شهر» (Lefebvre, 1971) و مساله شهروندی در این شهر همواره مطرح بوده است (Borius, 2010). هدف قدرت‌های شهری این بود که ریو از یک کلانشهر به یک جهان‌شهر تبدیل شود و یک ابزار برای تحقق این هدف، وارد شدن ریو در رویدادهای بزرگ جهانی بود. در چنین شرایطی بود که ریو خود را برای میزبانی بزرگترین رویداد جهانی، یعنی المپیک آماده کرد. بازی‌های المپیک می‌توانست یک فرصت ناب برای کاهش فاصله‌های اجتماعی در شهر باشد. فاصله‌ای که باعث شده بود بخش کوچکی از شهروندان به عنوان شهروندان درجه یک تلقی شوند و بقیه به عنوان شهروندان درجه دو (همان).

بازی‌های المپیک ۲۰۱۶ به عنوان کاتالیزوری بود که موجب تسریع فرآیند اعیان‌سازی - که از اواخر قرن بیستم در ریو شروع شده بود - و عمیق‌تر شدن شکاف طبقاتی بین ساکنان شد (Borius, 2010). ائتلاف قدرت‌های سیاسی و منفعت‌طلبی‌های شرکت‌های بزرگ ساختمانی، موجب «پاکسازی اجتماعی» بسیاری از محدوده‌های شهر و تبدیل آنها به مناطقی سودآور برای ساخت و ساز شد. سیاست این بود که افراد فقیر، به نفع بخش املاک از شهر خارج شوند. بر همین اساس شهرداری در محله‌های فقیرنشین مانند بولدوزر عمل کرد و با در اختیار داشتن ابزارهای قانونی، اقدام به اخراج ساکنان کرد، بدون اینکه مسئولیتی در قبال سلامت و

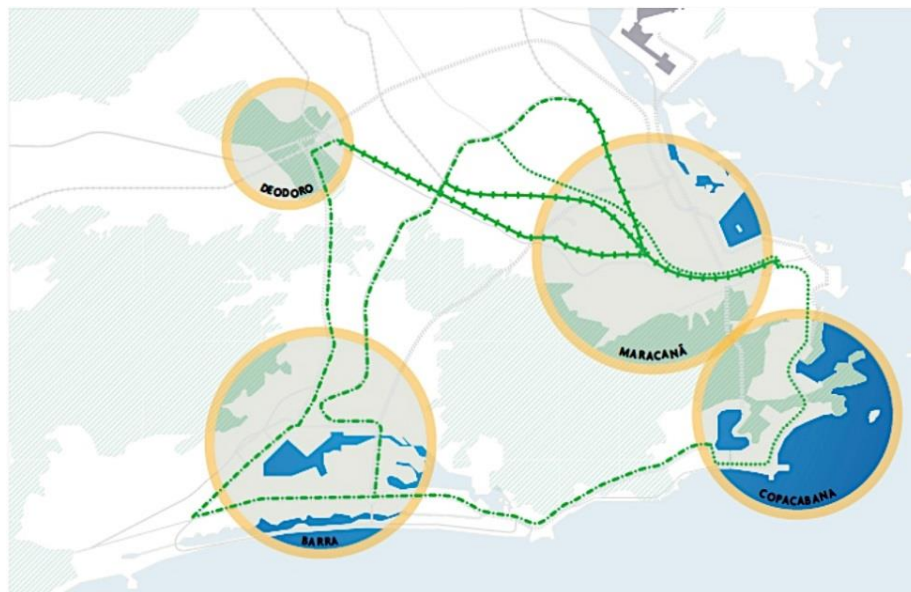
زندگی مردم احساس کند (World Cup and Olympics Popular Committee of Rio de Janeiro, 2015).

قدرت‌های شهری تبلیغات گسترده‌ای برای جذب سرمایه‌گذاران می‌کردند. پیش‌بینی شد ساختمان‌هایی که برای اسکان ورزشکاران و امکانات ورزشی ساخته می‌شود، بعد از المپیک تبدیل به مسکن‌های لوکس شود و فروش آنها بر عهده شرکت‌های ساختمانی باشد که در واقع «شریک» شهرداری و دولت بودند. مسکن‌هایی که در قالب برنامه Minha Casa, Minha Vida (خانه من، زندگی من) به عنوان مسکن معوض برای ساکنان اخراج شده ساخته شدند، اغلب در حومه‌های شهر بودند که خدمات عمومی بسیار اندک و زیرساخت‌های ضعیفی داشتند. بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۵ در مجموع ۲۲۰۵۹ خانواده (۷۷۲۰۶ نفر) در اثر برگزاری المپیک از محله‌های خود جابجا شدند. با این که واضح بود این جابجایی‌ها به خاطر المپیک صورت گرفته، اما مسئولان توجیهات دیگری را از جمله خطر لغزش زمین در این محدوده‌ها یا مسائل زیست محیطی ارائه کردند (همان). از لحاظ علت تخریب محله‌ها و جابجایی ساکنان، می‌توان محله‌ها را به چهار گروه تقسیم کرد: سه گروه اول مستقیماً به المپیک مربوط می‌شوند: ساخت مسیر BRT، ایجاد زیرساخت‌ها و امکانات ورزشی، ساماندهی بندرگاه. گروه چهارم شامل محدوده‌هایی می‌شود که پر خطر اعلام شده یا به دلایل زیست محیطی تخلیه آنها ضروری بیان شده است (Pinto and Santos, 2014). گروه چهارم به طور مستقیم با المپیک ارتباط ندارد، اما تخریب آنها جزئی از استراتژی شهرداری برای نوسازی شهری و توسعه املاک و نیز توسعه گردشگری بود.

جدول (۱): تعداد خانواده‌های جابجا شده (۲۰۱۵-۲۰۰۹)

علت تخریب	تعداد خانواده‌های جابجا شده
ساخت مسیر BRT	۲۳۸۵
ایجاد زیرساخت‌ها و امکانات ورزشی مربوط به المپیک	۱۰۵۶
ساماندهی بندرگاه	۵۳۵
محدوده‌های پر خطر	۱۸۰۸۹

منبع: برگرفته از World Cup and Olympics Popular Committee of Rio de Janeiro, 2015



تصویر (۴): مسیر BRT، محدوده‌های پیش بینی شده برای ایجاد زیرساخت‌های المپیک و توسعه بندرگاه
منبع: (Rio 2016 (2009: 111)

واقع روی دیگر منفعت طلبی‌های اقتصادی و سیاسی هستند که اثرات آنها سال‌ها بعد از المپیک ۲۰۱۶ خود را نشان می‌دهد (Barbosa Matias et al., 2016).

شعارهایی مانند «بیاید و بهترین فرصت برای سکونت یا سرمایه‌گذاری در محله‌ای که از حالا تا سال ۲۰۱۶ بسیار ارزشمند می‌شود را بشناسید» (Borius, 2010)، بدون شک نشان از سوداگری زمین داشت. برای قدرت‌های شهری به راحتی می‌توانستند محله‌ها را تخریب کنند و لزومی هم به مشورت با ساکنان احساس نمی‌کردند. مهم‌ترین مساله‌ای که وجود داشت، عدم اطلاع‌رسانی به ساکنان و وارد نکردن آنها در بحث‌های مربوط به پروژه و جابجایی‌ها بود. در اغلب موارد ساکنان از طریق رسانه‌ها دریافتند که باید محله خود را ترک کنند. اخراج ساکنان با خشونت‌های بسیار و فشارهای روانی همراه بود و نمایندگان شهرداری مردم را تهدید می‌کردند که اگر خانه‌های معوض برنامه «Minha Casa, Minha Vida» را، که ۶۰ کیلومتر با محل سکونت فعلی آنها فاصله دارد، قبول نکنند، همه چیز را از دست خواهند داد (Schissel, 2012). شهرداری ساکنان را مجبور می‌کرد که قراردادی را امضا کنند که در یک مهلت مقرر با تخریب خانه‌های خود موافق هستند حتی در مواردی مشاهده شد که شهرداری کودک خانواده را مجبور می‌کرد که قرارداد تخلیه را امضا

بیشترین جابجایی‌ها به دلیل ایجاد مسیر BRT صورت گرفت. غیر از اخراج‌های اجباری، برخی از گروه‌های فقیر به دلیل اعیان‌سازی محدوده‌های سکونت خود و افزایش قیمت املاک، مجبور به ترک آن محدوده‌ها شدند. همانطور که ریدر (۲۰۱۰) می‌گوید: «تحت فشار بازار املاک، به تدریج ساکنانی که قدرت خرید پایینی داشتند، خانه خود را ترک کردند و به دنبال مکان‌های قابل‌دسترس‌تر رفتند. این جابجایی می‌تواند باعث از بین رفتن روابط اجتماعی که طی چندین دهه شکل گرفته، شود. همچنین جابجایی‌ها می‌تواند موجب کاهش منابع درآمد به دلیل افزایش قیمت حمل و نقل در شهر شود» (Raeder, 2010). ریدر همچنین تاکید می‌کند که «اخراج خانواده‌ها چهره‌ای ظالمانه از شهرسازی المپیک ارائه می‌دهد، زیرا ناگهان روابط اجتماعی را، که برای خیلی از مردم به دلیل نزدیکی و همسایگی ایجاد شده بود و در زندگی بسیاری از شهروندان ارزشی غیرقابل جایگزین دارد، قطع می‌کند. فقرا بیشترین آسیب را از این اقدامات متحمل می‌شوند. زیرا بسیاری از این اقدامات فقط برای آماده کردن زمین به منظور ایجاد امکانات ورزشی نبوده، بلکه برای ایجاد چهره‌ای مطلوب از شهر است؛ چهره‌ای که سرمایه‌داران و مصرف‌کنندگانی را به خود جذب می‌کند که میل به دیدن فقر ندارند» (Raeder, 2010, 28). برخی پژوهشگران معتقدند که رقابت‌های ورزشی در

تپه را ترک کنید». راکل رولانیک می‌نویسد که ماموران دولتی، با رنگ روی دیوار خانه‌ها شماره‌گذاری می‌کنند، مانند کاری که نازی‌ها در زمان جنگ جهانی دوم انجام دادند. ساکنان می‌دانند که خانه آنها هدف تخریب است، اما نمی‌دانند چه بر سر آنها خواهد آمد و چه زمانی» (Rolnik, 2011).

تحلیل سیاست‌ها و اقدامات انجام شده برای المپیک ۲۰۱۶، نشان می‌دهد که برخی بخش‌ها منابع عمومی را به خود اختصاص داده و سرمایه انباشته‌اند، در حالی که برخی دیگر، از حقوق انسانی و اجتماعی خود محروم شده‌اند. اقداماتی که در راستای تحولات شهر ریو در چارچوب آماده سازی برای میزبانی المپیک انجام گرفت، حقوق شهروندان را زیر پا گذاشت. میزبانی بازی‌های المپیک، خشونت آمیزترین شکل زیر پا گذاشتن حق مسکن را در این شهر به همراه داشت.

کند (World Cup and Olympics Popular Committee of Rio de Janeiro, 2015).

در یکی از محله‌ها که روی تپه واقع شده بود، شهرداری ادعا کرد که خانواده‌ها باید به دلیل خطر لغزش زمین، محدوده را ترک کنند. اما گزارش‌های زمین‌شناسی موضوع خطر لغزش زمین را رد کرده و اعلام کردند که تعداد خانه‌های آسیب‌پذیر بسیار کم است و مساله با اقدامات فنی به سادگی قابل حل است. شهرداری روی خانه‌هایی که باید تخریب می‌شدند با اسپری رنگ شماره گذاری کرد، بدون اینکه از ساکنان اجازه بگیرد و حتی بدون اینکه برای آنها توضیح دهد. روی دیوار خانه‌ها عبارت SMH، مخفف «اداره مسکن شهرداری» نوشته شده بود (World Cup and Olympics Popular Committee of Rio de Janeiro, 2015) که ساکنان آن را مخفف این عبارت تعبیر می‌کردند: Saia do Morro Hoje، یعنی «امروز



تصویر (۵): اعمال خشونت بر ساکنان توسط نیروهای امنیتی در ریودوژانیرو (منبع:

<https://www.theguardian.com/sport/ng-interactive/2016/aug/02/how-evictions-have-laid-bare-rios-real-olympic-legacy>



تصویر (۶): نقاشی یک هنرمند شیلیایی روی دیوار یکی از محله‌های ریودوژانیرو (منبع: <http://rio.portalpopulardacopa.org.br/?p=2722>)



تصویر (۷): تخریب خانه‌ها توسط بولدوزر در رویدوژانیرو (منبع: <http://www.wbur.org/onlygame/2016/08/05/autodromo-rio-atlanta-olympics>)

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

کاتالیزوری برای توسعه هستند و معمولا با بازآفرینی شهری و اعیان‌سازی همراه‌اند. اما منافع این فرآیند به‌ندرت به‌طور مساوی تقسیم می‌شود. فقرا، بی‌خانمان‌ها و سایر اقلیت‌ها عوارض منفی را متحمل می‌شوند و سرمایه‌داران و گروه‌های پردرآمد، از اثرات مثبت آن نفع

برگزاری بازی‌های المپیک فرصتی برای شهرهاست که تصویری مطلوب از خود ارائه داده، سرمایه‌گذاران را به خود جذب کنند و به عنوان یک مقصد توریستی جایگاه خود را در جهان تثبیت کنند. بازی‌های المپیک

مطالعات محیط‌زیستی

سال نهم

شماره سی‌ام

تابستان ۱۳۹۶

۱۱۶

می‌برند. به عبارت دیگر، هزینه‌های هنگفت توسعه شهر و وارد شدن آن به حوزه شهرهای جهانی، عمدتاً بر دوش این گروه‌ها قرار می‌گیرد. بسیاری از این هزینه‌ها، به ویژه از بین رفتن حق این افراد در زمینه برخورداری از مسکن مناسب، به معنی نقض حقوق بشر است. مراکز شهری یا محدوده‌های حومه‌ای که اغلب هدف توسعه مجدد، اعیان‌سازی و زیباسازی قرار می‌گیرند، محدوده‌هایی هستند که گروه‌های کم درآمد را در خود جای می‌دهند. اثرات برگزاری بازی‌های المپیک روی مسکن این گروه‌ها می‌تواند مستقیم یا غیر مستقیم باشند؛ در کوتاه مدت قابل مشاهده باشند یا در بلند مدت خود را نشان دهند. مطالعات انجام شده بر پنج شهر میزبان، اثرات برگزاری بازی‌های المپیک بر گروه‌های فقیر، به ویژه در حوزه مسکن را نشان می‌دهد. این اثرات در جدول زیر به صورت خلاصه بیان شده‌اند.

جدول (۲): اثرات برگزاری بازی‌های المپیک بر گروه‌های فقیر

شهر میزبان المپیک	اثرات کلیدی
ستول (۱۹۸۸)	<ul style="list-style-type: none"> • اخراج اجباری ۷۲۰ هزار نفر از مسکن‌هایشان • کاهش مسکن‌های قابل پرداخت در اثر توسعه و شهرسازی • متراکم کردن بی خانمان‌ها در خارج از شهر • تغییر در قوانین توسعه و برنامه ریزی به منظور تسهیل ساخت و سازهای مرتبط با المپیک • عدم وجود شفافیت در تصمیم سازی و فشار و خشونت بر ساکنان
آتلانتا (۱۹۹۶)	<ul style="list-style-type: none"> • اخراج یا جابجایی حدود ۳۰ هزار نفر از افراد فقیر به دلیل توسعه و اعیان‌سازی مرتبط با المپیک و کمبود مسکن قابل پرداخت • از بین رفتن بیش از ۱۰۰۰ واحد مسکونی از مجموعه‌های مسکن اجتماعی و جابجا شدن تقریباً ۴۰۰۰ نفر • وضع قوانینی برای مجرم شناختن بی خانمان‌ها • حذف ۹۰۰۰ بی خانمان از خیابان‌ها تحت عنوان «پاکسازی» • آسیب دیدن آمریکایی‌های آفریقایی تبار به دلیل جابجایی‌ها و مجرم شناختن بی خانمان‌ها • آسیب دیدن فقرا و اقلیت‌های اجتماعی • عدم وجود شفافیت در تصمیم سازی
سیدنی (۲۰۰۰)	<ul style="list-style-type: none"> • اخراج و جابجایی افراد زیادی به دلیل اعیان‌سازی و توسعه مرتبط با المپیک • وضع قوانینی برای محدود کردن آزادی شهروندان در طول برگزاری بازی‌های المپیک • آسیب دیدن فقرا و اقلیت‌های اجتماعی
پکن (۲۰۰۸)	<ul style="list-style-type: none"> • جابجایی بیش از ۱٫۵ میلیون نفر • عدم وجود شفافیت در تصمیم سازی و فشار و خشونت بر ساکنان • جابجایی بیش از ۴۰۰ هزار مهاجر، بدون وجود برنامه ای برای اسکان مجدد آنها • فقیرتر شدن ۲۰ درصد خانواده‌های جابجا شده
ریودونانیرو (۲۰۱۶)	<ul style="list-style-type: none"> • جابجایی اجباری ۲۲۰۵۹ خانواده (۷۷۲۰۶ نفر) به دلیل ساخت و سازهای مرتبط با المپیک و نیز پروژه‌های بزرگ دولتی و خصوصی • عدم وجود شفافیت در تصمیم سازی و فشار و خشونت بر ساکنان • تسریع فرآیند اعیان‌سازی و عمیق تر شدن شکاف طبقاتی بین ساکنان • از بین رفتن روابط اجتماعی

- تاثیرات تبعیض آمیز و ناعادلانه روی گروه‌های حاشیه ای جامعه شامل فقرا، گروه‌های کم درآمد، افراد دارای وضعیت سکونت ناپایدار، بی‌خانمان‌ها، اقلیت‌های قومی، افراد بومی، سالخوردگان، ناتوانان جسمی، دست‌فروشان خیابانی، مهاجران و سایر گروه‌های آسیب‌پذیر
- روشن نبودن نحوه مشارکت ساکنان و جامعه محلی در تصمیم‌سازی‌های مربوط به مسکن.
- بنابراین مشاهده می‌شود که بازی‌های المپیک که برای آنها منابع عمومی هنگفتی خرج می‌شود، اغلب اهداف خصوصی دارند و آنچه که در حوزه اجتماعی به جای می‌گذارند، نابرابری اجتماعی- فضایی است. برگزاری بازی‌های المپیک با اینکه موجب توسعه کالبدی و اقتصادی شهرهای میزبان می‌شود، اما ارتقاء فرهنگ صلح و برابری اجتماعی که به عنوان اهداف برگزاری بازی‌های المپیک بیان شده، تحقق نیافته و شرافت انسانی مورد بی توجهی قرار گرفته است. بازی‌های المپیک نه تنها موجب انسجام اجتماعی بین ساکنان شهرهای میزبان نشده اند، بلکه با دگرگون کردن ساختارهای اجتماعی- فضایی این شهرها (به ویژه از طریق اعیان‌سازی) موجب طرد اجتماعی گروه‌های آسیب پذیر و محروم شدن آنها از حقوق انسانی خود شده اند.
- با توجه به تجارب بررسی شده، برخی پیشنهادهای جهت کاهش اثرات منفی میزبانی المپیک بر گروه‌های کم درآمد و فقیر به شرح زیر قابل ارائه است:
- برای اینکه هزینه‌ها و منافع المپیک یا هر رویداد بزرگ مقیاس دیگری بین همه افراد و گروه‌های جامعه به صورت متعادل تقسیم شود، شفافیت و مشارکت فعالانه همه گروه‌های ذینفع و ذینفوذ ضروری است. نکته حائز اهمیت این است که برنامه ریزی‌ها «با» جامعه ای که از این پروژه‌ها متأثر می‌شوند انجام شود، نه «برای» آنها و نه «علیه» آنها. مشارکت و وارد شدن جامعه مدنی در بسیاری از امور را تسهیل می‌کند. یکی از عوامل بسیار مهمی که می‌تواند موجب افزایش اثرات مثبت و کاهش اثرات منفی برگزاری المپیک شود، میزان وارد شدن و آگاهی گروه‌های فعال جامعه است.
- در بسیاری از موارد جوامع محلی شکایت خود را به طور مستقیم نزد کمیته بین المللی المپیک برده اند، اما این کمیته ساز و کار رسیدگی به این شکایت‌ها را ندارد. یک راه حل برای اینکه به شکایت‌ها در سطوح پایین تر (ملی و محلی) رسیدگی شود این است که در شهرهای میزبان یک ساز و کار نظارتی برای رصد کردن اثرات این رویدادها بر مسکن ایجاد شود.
- لازم است که کمیته بین المللی المپیک بر روند تحقق تعهداتی که شهرها در زمان نامزدی برای میزبانی المپیک می‌دهند، نظارت داشته باشد. علاوه بر این، کمیته بین المللی المپیک باید از شهرهای میزبان بخواهد که راهکارهای خود را در زمینه مسکن به صراحت ارائه دهند.
- یکی از عوامل بسیار مهمی که می‌تواند موجب افزایش اثرات مثبت و کاهش اثرات منفی برگزاری المپیک شود، میزان وارد شدن و آگاهی گروه‌های فعال جامعه است.
- ارتباط برقرار کردن با سایر شهرهای میزبان و آموختن از تجارب مثبت و منفی آنها نیز می‌تواند در کاستن از اثرات نامطلوب المپیک بسیار موثر باشد.
- رویدادهای بزرگ می‌تواند توسط قدرت‌های شهری به عنوان فرصتی برای حل مساله مسکن برای بی‌خانمان‌ها تلقی شود (به جای اخراج آنها از شهر، مانند آنچه که در آتلانتا اتفاق افتاد). به طور مثال از طریق ساخت مسکن‌های موقت یا دائمی و افزایش حمایت‌های اجتماعی برای این گروه‌ها.
- همه نقش آفرینان حوزه مسکن باید ثبات بازار مسکن از قبل تا بعد از برگزاری بازی‌های المپیک را تضمین کنند. بدین معنی که مسکن‌های قابل پرداخت باقی بمانند و تعداد آنها افزایش داده شود و اینکه اعیان‌سازی و افزایش اجاره بها، موجب اخراج گروه‌های کم درآمد نشود. بدین منظور لازم است که سیاست‌هایی برای جلوگیری از افزایش شدید اجاره بها و قیمت املاک تدوین شود.

منابع

- Amnesty International (2007), Legacy of the Beijing Olympics China's Choice, London, Amnesty International Publications.
- Asian Coalition for Housing Rights (ACHR) (1989), Evictions in South Korea,

- Cox, G. (1996), «Showing off or Showing Up the City? The Social Impacts of Major Events», 16th Annual Meeting of the International Association for Impact Assesment, Lisbonne.
- Economy, Elizabeth (2012), A Land Grab Epidemic: China's Wonderful World of Wukans, Council on Foreign Relations.
- Essex, S. & Chalkley B. (1998), Olympic Game: catalyst of urban change, Leisure Studies (17), pp. 187-206.
- Essex, S. & Chalkley, B. (2004). Mega-events as a strategy for urban regeneration. Dialoghi Internazionali-Città nel Mondo, 5, 18-29.
- Gafner, Raymond (2008), Les jeux olympiques ; médaille d'or des expulsions, Agone, numéro 37/38, pp: 127-150.
- Greene, Solomon J. (2003), Staged Cities: Mega-events, Slum Clearance, and Global Capital, Yale Human Rights and Development Journal, Vol. 6: Iss. 1, Article 6. Available at: <http://digitalcommons.law.yale.edu/yhrdlj/vol6/iss1/6>
- Ha, S.K. (1994), Low-income Housing Policies in the Republic of Korea, Cities, 11(2), pp. 107-114.
- Haynes J. (2001), Socio-economic impact of the Sydney 2000 Olympic Games, CEOUAB: Barcelona.
- International Olympics Committee (IOC) (1999), The Olympic Movement's Agenda 21.
- International Olympics Committee (IOC) (2004), Olympic Charter, Fundamental Principle of Olympism, Lausanne.
- Langellier, J.P., (2009) « À Rio, un mur "écologique" pour contenir une favela » dans Le Monde du 23-01-2009.
- Lefebvre, Henri (1971), Le droit à la ville, Paris, Atropos.
- London East Research Institute (2007), A lasting legacy for London? Assessing the legacy of the Olympic Games and Paralympic Games, Greater London Authority, London.
- Marcuse, P. (1986), Abandonment, Gentrification and Displacement: The Linkages in New York City, In Gentrification and the City, edited by N. Smith and P. Williams. London, Unwin Hyman.
- Nations Unis(UN) (2003), document A/RES/58/5. (Assemblée générale des Nations Unies, Cinquante-huitième session, Point 23, b, de l'ordre du jour, 17 novembre 2003)
- Environment and Urbanization, 1(1), pp. 89-94.
- Atlanta Regional Commission (2002), Regional Snapshot: Income Trends, available at: http://www.atlantaregional.com/File%20Library/Info%20Center/Newsletters/Regional%20Snapshots/Economy/RS_Income_May2010_web.pdf.
- Australian Associated Press, "Unfortunates" would not be removed from Sydney streets', (2 June 1998).
- Australian Bureau of Statistics (2002), Sydney Statistical Division population.
- Barbosa Matias, Wagner; Mascarenhas, Fernando (2016), Jeux olympiques de Rio 2016 : gagnants et perdants, Alternatives Sud, Vol.23, pp. 33-52.
- Borius, Olivier(2010), Rio de Janeiro olympique : murs tropicaux, favelas et gentrification, VI Congreso CEISAL 2010, Jun 2010, Toulouse, France.
- Boykoff, Jules (2014), Celebration Capitalism and the Olympic Games, Routledge, New York & London.
- Cashman, Richard & Anthony Hughes (1998), The Green Games: a golden opportunity, Sydney: Centre for Olympic Studies, UNSW.
- Centre on housing rights and evictions (COHRE) (2007a), Fair Play for Housing Rights: Mega-Events, Olympic Games and Housing Rights, Geneva
- Centre on Housing Rights and Evictions (COHRE) (2007b), The Impact of the Sydney Olympic Games on Housing Rights, Geneva.
- Centre on housing rights and evictions (COHRE) (2008), One World, Whose Dream? Housing rights violations and the Beijing Olympic Games, Geneva.
- China Rights Forum (2007), 2008 AND BEYOND, available at: http://www.hrichina.org/sites/default/files/PDFs/CRF.3.2007/CRF-2007-3_complete.pdf
- Committee on Economic, Social and Cultural Rights (UNCESCR) (1991), General comment No. 3 on the nature of States parties' obligations.
- Committee on Economic, Social and Cultural Rights (UNCESCR) (1997), General Comment No. 7 on the right to adequate housing.
- Congressional Executive Commission on China (2010), 2010 Annual Report, pp 41-42.

- Vigor A., Mean M. & Tims C. (2004), *After the gold rush: A sustainable Olympics for London*, Ippr-Demos, London.
- Watt, P. (2013), «It's not for us», *City*, 17:1, 99-118, DOI: 10.1080/13604813.2012.754190 <http://dx.doi.org/10.1080/13604813.2012.754190>
- World Cup and Olympics Popular Committee of Rio de Janeiro (2015), *Rio 2016 Olympics: The Exclusion Games*.
- Yates, Judith & Gabriel, Michelle (2006), *Housing Affordability in Australia*, Background Report for Collaborative Research Venture 3: Housing Affordability for Lower Income, Australians, Sydney, Australian Housing and Urban Research Institute.
- Neilson, Brett (2002), *Bodies of Protest: Performing citizenship at the 2000 Olympic Games*, *Continuum*, 16(1), pp. 13-25.
- Pinto, João Baptista & Santos, «Iaci d'Assunção (2014), *The Metropolis of Rio de Janeiro: a space in transition*», in Luiz Cesar de Queiroz Ribeiro (Editor). 1st. ed. - Rio de Janeiro: Letra Capital.
- Rabinovitch, Simon, *Worries grow as China land sales slump*, *Financial Times*, 5 January 2012.
- Raeder S. (2010), *Jogos e cidades : ordenamento territorial urbano em grandes eventos esportivos*, Brasília, ministère des Sports.
- Rentwatchers (1999), *Rentwatchers Report No. 5*, Sydney.
- Rio 2016. (2009). *Dossiê de candidatura do Rio de Janeiro à sede dos Jogos Olímpicos e Paraolímpicos de 2016* Vol.3, http://www.rio2016.org.br/sites/default/files/parceiros/dossie_de_candidatura_v3.pdf
- Rolnik R. (2011), *Moradia é um direito humano*, available at: <http://direitoamoradia.org>.
- Schissel, Lana (2012), *Rio2016: Mega-Event Urban Planning and Imagining the Anti-Olympics Scale-Shift Process*, Open Access Theses. Paper 389. Available at: http://scholarlyrepository.miami.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1395&context=oa_theses
- Shin, Hyun Bang & Kim, Soo-Hyun (2015), *The developmental state, speculative urbanisation and the politics of displacement in gentrifying Seoul*, *Urban Studies*, Vol 53, pp. 540-559.
- The Third Annual Demographia International Housing Affordability Survey (2007), available at <http://www.demographia.com/dhi-ix2005q3.pdf>
- UN Commission on Human Rights (2004), *Resolution 2004/28 on the Prohibition of Forced Evictions*, UN Doc. E/CN.4/2004/127.
- United Nations(UN) (1948), *The Universal Declaration of Human Rights (UDHR)*, Article 25, point 1.
- Vale, L. & Gray, A. (2013), *The Displacement Decathlon*, *Places Journal*, Accessed 24 Sep 2016. <https://placesjournal.org/article/the-displacementdecathlon/>

پی‌نوشت

¹ *Mega Sporting Event*

² *Mackay*

³ *Pierre de Coubertin*

⁴ برخی از سایت‌های خبری که در مورد این موضوع مطالبی را منتشر کردند:

<http://www.independent.co.uk/news/world/americas/rio-2016-olympics-favela-shanty-towns-evicted-brazil-a7168221.html>

<https://www.theguardian.com/sport/ng-interactive/2016/aug/02/how-evictions-have-laid-bare-rios-real-olympic-legacy>

<http://www.vox.com/2016/6/27/12026098/rio-olympics-2016-removals-eviction>

⁵ *COHRE*

⁶ *Paul Watt (2013) 'It's not for us', City, 17:1, 99-118, DOI: 10.1080/13604813.2012.754190*

To link to this article:

<http://dx.doi.org/10.1080/13604813.2012.754190>

⁷ *Housing rights*

⁸ *Forces eviction/ Expulsion forcée*

⁹ *International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights*

¹⁰ *The Olympic Movement's Agenda 21*

در اواسط دهه ۱۹۹۰، جنبش المپیک تصمیم گرفت تا «محیط» را به عنوان رکن سوم المپیک در کنار ورزش و فرهنگ بپذیرد. این تصمیم منتهی به اصلاح منشور المپیک در سال ۱۹۹۶ و پذیرش دستورالعمل ۲۱ جنبش المپیک در سال ۱۹۹۹ شد که از آن پس به عنوان یک سند راهنما مورد توجه قرار گرفت. اگرچه این دستورالعمل به خودی خود یک ابزار الزام آور نیست اما براساس اصول جنبش المپیک موجود در منشور المپیک پایه ریزی شده و به عنوان یک ابزار قاطع برای ارتقای جنبش پایدار عمل می‌کند. دستورالعمل ۲۱ بر سه بعد توسعه پایدار تاکید

می‌کند: حفاظت محیطی، توسعه شرایط اقتصادی اجتماعی و مشارکت فعال جامعه مدنی. این سند حاوی تدابیر و اصول ویژه‌ای درمورد سکونتگاه انسان است (OM Agenda 21, para. 3.1.6).

- ¹¹ Olympic Charter, Fundamental Principle of Olympicism 2, and Code of Ethics, A.1.
¹² Olympic Charter, Fundamental Principle of Olympicism 5; see also Code of Ethics, rule 2.
¹³ Olympic Charter, Chapter 1, section 1, para. 14.
¹⁴ Olympic Charter, Chapter 1, section 1, para. 13.
¹⁵ OM Agenda 21, para. 3.1.3.
¹⁶ OM Agenda 21, para. 3.1.7.
¹⁷ OM Agenda 21, para. 3.3.2.
¹⁸ Chun Doo-Hwan
¹⁹ Asian Coalition for Housing Rights
²⁰ gentrification
²¹ Travelers' Aid
²² Techwood
²³ problème Techwoods
²⁴ Larry Keating
²⁵ Dick Bradfield
²⁶ affordable
²⁷ Boarding houses
²⁸ brownfield
²⁹ Gary Moore
³⁰ Unfortunates

³¹ این درصد مربوط به سال ۲۰۰۹ بوده است و بعد از تخریب‌ها و جابجایی‌های گسترده به دلیل برگزاری المپیک ۲۰۱۶، هنوز آمار دقیق از ساکنان این محدوده‌ها موجود نیست.

³² Favela

